

ابتلا در فرهنگ قرآنی

شریفه شریعتی*

اشاره

در فرهنگ اسلامی و قرآنی، ابتلا (آزمایش)، یکی از سنت‌های الهی است که از همان ابتدای خلقت آدمی در بهشتی که خداوند برای اولین فرد از نوع ما آفرید، آغاز گردید. خداوند آدم عَلَيْهِ السَّلَام و حواء عَلَيْهَا السَّلَام را با پرهیزدادن از شجره ممنوعه، آزمایش کرد و اگرچه آنان در این اولین امتحان موفق نبودند، اما این سنت هم‌چنان ادامه یافت و تا قیامت نیز ادامه خواهد داشت. در این نوشتار می‌کوشیم، سنت ابتلا را از جهات مختلف مورد بررسی قرار دهیم.

۱. مفهوم‌شناسی ابتلا

«ابتلاء»، از ماده «بَلَى» به معنای امتحان می‌باشد. «إِبْتِلَاءُ اللَّهِ: إِمْتِحَانُهُ»^۱ خداوند، او

* پژوهشگر و مدرس حوزه علمیه خواهران.

۱. جمال‌الدین محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق، ج ۱،

اول، ص ۴۷۹.

را امتحان کرد.» این واژه با اختبار هم‌معنا است: «أَبْلَى اللَّهُ عِبَادَهُ: إِيخْتَبَرَهُمْ بِصُنْعٍ جَمِيلٍ؛^۱ خداوند بندگانش را مورد ابتلا قرار داد؛ یعنی آن‌ها را با کار زیبا امتحان کرد.»

ابتلا و بلا، هر دو از یک ماده و به معنای امتحان و آزمایش‌اند؛ به این ترتیب که کاری را به کسی پیشنهاد می‌کنند تا صفات باطنی او مانند: اطاعت، عفت، شجاعت، سخاوت و میزان آن‌ها را دریابند. امتحان اشخاص، غالباً از طریق عمل آن‌ها است و نه گفتارشان؛ زیرا تنها چیزی که می‌تواند صفات واقعی انسان را آشکار سازد، عمل است.

۲. واژه‌های قرآنی ابتلا

در قرآن کریم «ابتلاء» با واژه‌های مختلفی آمده‌است؛ واژه‌هایی که جهات اشتراک و اختلافی نیز با یکدیگر دارند. در این‌جا به چند نمونه اشاره می‌نماییم:

- امتحان:

امتحان، از ریشه «مِخَن» و مترادف ابتلا است؛ «المِخَنُ و الإِمْتِحَانُ نَحْوَ الإِبْتِلَاءِ»^۲ پس، امتحان به معنای آزمایش است؛ مانند آیه: «وَأُولَئِكَ الَّذِينَ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِيَتَّقُوا؛^۳ آن‌ها کسانی هستند که خداوند قلب‌های‌شان را برای تقوا آزموده است.» مراد از امتحان، تکلیف به امری است که به واسطه آن، اطاعت و مخالفت مکلف در خارج تحقق و ظهور یابد.

۱. لویس معلوف، المنجد فی الغة، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش، دوم، ص ۴۹.

۲. ابوالقاسم حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه،

۱۳۹۲ق، ص ۴۸۴.

۳. حجرات، آیه ۳.

- فتنه:

فتنه، از ریشه «فَتَن» گرفته شده است. «اصل فتن، وارد کردن طلا در آتش است تا خالص و ناخالصی آن آشکار شود.»^۱ فتنه، به معنای امتحان نیز آمده است؛ «فَتَنَّاكَ فُتُونًا»^۲ و ما تو را آزمودیم، آزمودنی. فتنه، امتحانی است که خداوند انجام می‌دهد تا افراد را طبق اعمال‌شان که از آنان صادر می‌شود، مجازات کند؛ نه آن‌که بر طبق علم‌شان، بی‌آن‌که عملی از آنان سر زده باشد، مجازات نماید.

- تمحیص:

تمحیص، از ریشه «مَحَص» و «به معنای خالص کردن شیء از هر عیبی است.»^۳ خداوند این واژه را در مورد اتفاقی که در جنگ احد واقع گردید و منافقان از مؤمنان واقعی شناخته شدند، به کار برده و می‌فرماید: «وَلِيَتْلَى اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ»^۴ و تا خدا آنچه را در سینه‌ها دارید، امتحان کرده و آنچه [از شرک و نفاق] را که در قلب‌ها دارید، خالص گرداند.»

- استدراج:

استدراج، از ماده «دَرَج» گرفته شده و «به معنای مرتبه و منزلت است. در استدراج، فرصت فرد به تدریج و درجه‌درجه گرفته می‌شود؛ به این صورت که فرد بدکار در کفر خویش مشغول لذت بوده، ولی بی‌خبر است [از این] که به تدریج استعداد هدایت را از دست می‌دهد و عمرش کوتاه می‌گردد تا بالاخره فرصت از دستش می‌رود.»^۵ بنابراین، وقتی انسان از یاد خداوند غافل گشت، زمینه سرنگونی خویش را فراهم کرده، روزبه‌روز بر عذاب خود می‌افزاید.

۱. راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، پیشین، ص ۳۷۱.

۲. طه، آیه ۴۰.

۳. راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، پیشین، ص ۴۸۳.

۴. آل عمران، آیه ۱۵۴.

۵. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب العربی، ۱۳۹۲ق، ج ۶، ص ۳۳۵.

- امهال:

امهال، از ریشه «مهَل» و «به معنای آرامی و عجله نکردن است.»^۱ خداوند می فرماید: «فَمَهَّلِ الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهُمْ رُوَيْدًا»^۲ پس به کافران مهلت بده؛ مهلت کمی (در باره آنها عجله نکن).

امهال، در اصطلاح یعنی «خداوند پس از اجرای امتحان و مشخص شدن کافران و مشرکان، بلافاصله آنها را دچار عقوبت و هلاکت نمی کند؛ بلکه به آنان مهلت می دهد تا شاید به حق روی آورند.»^۳

- مصیبت:

مصیبت، از ریشه «صَوَّب» گرفته شده و اسم فاعل از باب افعال می باشد. این لغت، معانی متعددی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود: «مصیبت، به معنای نزول و نیز به معنای قصد است و إصابه، یعنی درک، طلب و اراده»^۴؛ مثل کلام خداوند که می فرماید: «أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ»^۵ مانند آنچه به قوم نوح رسید، به شما نیز برسد. «همچنین به معنای گرفتاری و بلیه نیز آمده است؛ مثل آیه: «أَوْ لَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا»^۶ آیا چون به شما مصیبتی [در جنگ احد] رسید، [با آن که در نبرد بدر] دو برابرش را [به دشمنان خود] رساندید. گفتید: «این مصیبت از کجا [به ما رسید]؟».

۱. همان، ص ۳۰۱.

۲. طارق، آیه ۱۷.

۳. حامد مقدم، احمد، سنت های اجتماعی در قرآن کریم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، دوم، ش ۱۳۶۹، ص ۱۵۸.

۴. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، پیشین، ج ۴، ص ۱۵۸.

۵. هود، آیه ۸۹.

۶. آل عمران، آیه ۱۶۵.

۳. ابتلا، در نظام تکوین و تشریح

- ابتلا و سازندگی:

تربیت و سازندگی، در سراسر جهان مادی ارزش‌زا است. امتیاز گل‌های زیبا و معطر باغ بر بوته‌های وحشی کوه نیز به سبب زحمت و تربیت باغبان است. این حقیقت، در باره انسان که از تمامی آفریدگان خداوند رشدپذیرتر است، به مراتب بیشتر صدق می‌کند؛ چون انسان دارای عقل، اراده و آزادی است.

یکی از مراحل اساسی در نظام تربیتی، امتحان و آزمایش است؛ زیرا از یک سو، ابزار ارزیابی است و از سوی دیگر، عامل رویش و پرورش می‌باشد.

شهید مطهری رحمته الله در بیان علت امتحانات الهی می‌گوید:

«پروردگار سبحان برای تربیت و پرورش جان انسان‌ها، دو برنامه تشریحی و تکوینی دارد و در هر برنامه شداید و سختی‌ها را گنجانیده است. در برنامه تشریحی، عبادات را فرض نموده و در برنامه تکوینی، مصایب را بر سر راه بشر قرار داده است. روزه، حج، نماز و جهاد، شدایدی هستند که با تکلیف ایجاد شده و صبر و استقامت در انجام آن‌ها، موجب کمال نفس و پرورش استعدادها و عالی انسان است. گرسنگی، ترس و زیان‌های جانی و مالی هم، شدایدی است که در تکوین پدید آورده و به طور قهری، انسان را در بر می‌گیرد.»^۱ بنا بر آیه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»^۲ به تحقیق، انسان را در رنج و مشقت آفریدیم.» مصیبت‌ها و سختی‌ها برای تکامل بشر ضرورت دارد.

- ابتلا و استقامت:

انسانی که در معرض سختی‌های زندگی و امتحانات الهی قرار گرفته، بسان درختی است که در دل بیابان‌های خشک و در معرض بادهای سوزان قرار

۱. مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران: صدرا، سوم، ۱۳۶۷ش، ص ۱۷۸.

۲. بلد، آیه ۴.

می‌گیرد و چنین درختی، در مقابل ناملايمات، مقاومت خاصی پیدا می‌کند؛ در حالی که درخت لب‌جویبار، از مقاومت کمی برخوردار است و در برابر خشکسالی و بادهای سوزان و ویرانگر، مقاومت و توانایی زیادی ندارد.

حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای خطاب به والی بصره، عثمان بن حنیف، می‌نویسد: «ألا وإن الشجرة البرية أصلبُ عُوداً وَ الرِّوَقِ الخَضِرَةَ أرقُّ جُلُوداً وَ النَّبَاتَاتِ البَدْوِيَّةِ أقوى وَ قُوداً وَ أَبطأُ خُمُوداً؛ آگاه باشید! همانا درختان بیابانی، چوب‌شان سخت‌تر، و درختان کناره جویبار، پوست‌شان نازک‌تر است. درختان بیابانی که با باران سیراب می‌شوند، آتش چوب‌شان شعله‌ورتر و پردوام‌تر می‌باشد.»^۱

پس، می‌توان دریافت که چرا خداوند علیم و حکیم، بندگان صالح خود را با بلاهای گوناگون می‌آزماید؛ چه این که انسان‌های رنج‌دیده، طاقت و قدرت تحمل‌شان از افراد نازپرورده بیشتر است.

به قول حافظ:

ناز پرورده تنعم نبرد راه به دوست عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

- ابتلا و رسیدن به کمال:

یکی از وسایل هدایت انسان به سوی کمال و سعادت، امتحان الهی است؛ زیرا اگر این آزمایش‌ها در کار نبود، افراد مستعد به آن درجه از کمال نرسیده و نیروهای بالقوه آنان هرگز به فعلیت نمی‌رسید. پس، «یکی از اموری که سبب تکمیل و تهذیب نفوس و تصفیه اخلاق و تهییج قوا شده و در حکم نیروی محرک دستگاه وجودی انسان است، شدايد و مصیبت‌ها است. در حدیثی آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله حاضر نبودند از غذای کسی تناول کنند که هیچ وقت شدت و سختی به سراغ او نیامده است؛ زیرا آن را علامت عدم قابلیت و دور بودن او از خداوند می‌دانستند.»^۲

۱. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: اسراء، اول ۱۳۹۰ش، ص ۳۹۴، نامه ۴۵.

۲. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران: صدرا، پنجم، ۱۳۵۸ش، ص ۱۷۵.

- ابتلا و قرب الهی:

زندگی سراسر رنج و مشقت انبیا و اولیای الهی، گویای این حقیقت است که تا انسان در بوته آزمایش قرار نگیرد و با بلاها مواجه نشود، لایق مقام خلیفه اللّهی نخواهد گردید. امتحانات سخت و متعدد حضرت ابراهیم علیه السلام باعث شد که لیاقت مقام امامت و رهبری جهانی را کسب کند: «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا؛ وَ بِهِ يَدُورُ أَمْرُ الْعَالَمِينَ»^۱ و به یاد آور هنگامی که خداوند ابراهیم را به اموری چند امتحان نمود. پس همه را به جای آورد. [خداوند به او] گفت: همانا من تو را برای مردم امام و پیشوا قرار دادم.»^۱

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَتَعَاهَدُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ كَمَا يَتَعَاهَدُ الرَّجُلَ أَهْلَهُ بِالْهَدِيَّةِ مِنَ الْغِيْبَةِ؛^۲ همانا خداوند مؤمن را به وسیله بلا یاد می‌کند و مورد نوازش قرار می‌دهد؛ آن گونه که یک مرد در وقتی که در مسافرت است، با فرستادن هدیه خاندان خود را یاد می‌کند و مورد نوازش قرار می‌دهد.» به قول شاعر:

هر که در این بزم مقرب‌تر است
جام بلا بیشترش می‌دهند

- عمومیت و جاودانگی ابتلای الهی:

ابتلا، جزء سنّت‌های الهی است و مانند سایر سنّت‌ها، از ویژگی‌های متعددی برخوردار است؛ از جمله این ویژگی‌ها، عمومیت و جاودانگی می‌باشد. همان طور که قوانین طبیعی، استثنابردار نیست، سنّت‌های حاکم بر جوامع بشری نیز این چنین هستند و از جمله این سنّت‌ها، سنّت ابتلا و آزمایش الهی است. خداوند در آیات ابتدایی سوره عنکبوت، عمومیت ابتلای الهی را بیان نموده و می‌فرماید: «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا

۱. بقره، آیه ۱۲۴.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تهران: المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۵ق، ج ۶۷، ص ۲۱۳.

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ؛^۱ آیا مردم گمان کردند همین اندازه که اظهار ایمان کنند، به حال خود واگذارده خواهند شد و امتحان نمی‌شوند و به تحقیق، ما کسانی را که قبل از آن‌ها بودند، آزمایش کردیم. پس، باید علم خدا در مورد کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند، تحقق یابد.»

* عمومیت: طبق این آیات، در می‌یابیم که امتحان، به گروه خاص و یا افراد مشخصی محدود نمی‌شود؛ مثلاً فقط برای گروه مسلمانان نیست؛ بلکه قانون عمومی و سنتی جاودان است؛ به سخن دیگر، همان طور که همه امت‌های گذشته و تمام انبیا و فرستادگان الهی و اقوام آن‌ها مورد امتحان قرار گرفته‌اند، تمام انسان‌های امروزی نیز امتحان می‌شوند. علاوه بر این، می‌توان دریافت که «خطاب آیه و به‌خصوص کلمه «ناس» عمومیت امتحان را می‌رساند که قوی و ضعیف، حاکم و محکوم، فرمانده و فرمان‌بردار، فقیر و غنی، جاهل و عالم و... همه و همه در معرض امتحان واقع می‌شوند.»^۲ بنابراین، اراده الهی بر این تعلق گرفته است که تمام بندگان را بدون استثنا امتحان کند.

* جاودانگی: سنت ابتلا، از نظر زمان نیز دارای استمرار است و همان طور که بر اقوام و جوامع گذشته حاکم بوده، بر افراد، تمدن‌ها و جوامع کنونی و آینده نیز حکومت خواهد داشت؛ چنان‌که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا»^۳ سنت الهی در میان آنان هم که درگذشتند، همین است و فرمان خدا، حکمی نافذ و حتمی خواهد بود.» حضرت علی علیه السلام با اذعان به امتحان همه افراد، در خصوص فلسفه و حکمت امتحان

۱. عنکبوت، آیه ۲-۳.

۲. شفائی، حسین، امتحان؛ سنت الهی و عامل تکامل، بی‌جا: ناشر مؤلف، اول، ۱۳۶۷ش، ص ۲۳.

۳. احزاب، آیه ۳۸.

انسان‌ها می‌فرماید: «إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدْبٌ وَلِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَلِلنَّبِيِّاءِ دَرَجَةٌ وَلِلْأَوْيِيَاءِ كَرَامَةٌ»^۱ سختی و گرفتاری برای افراد ظالم، تأدیب و برای مؤمن، آزمایش و برای پیامبران الهی، وسیله کسب درجه و برای اولیا و دوستان خدا، وسیله کرامت و سروری می‌باشد.»

۵. اهداف ابتلای الهی

اصولاً امتحان برای آشکار شدن و پی بردن به چیزهای ناشناخته و مجهول است و به منظور سنجیدن افکار، حالات اشخاص و میزان دانایی و توانایی آنان، صورت می‌گیرد؛ ولی خداوند بلندمرتبه با علم بی‌پایان خود، بر تمام امور، چه نهان و چه آشکار، آگاه است و خود نیازی به آزمایش کردن بندگانش ندارد؛ «وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا»^۲ در هیچ حال نیستی و هیچ قسمتی از قرآن را تلاوت نمی‌کنی و هیچ عملی را انجام نمی‌دهید، مگر این‌که ما گواه بر شما هستیم.»

اگرچه خداوند بر همه چیز احاطه دارد و بر آشکار و نهان آگاه است، ولی از امتحان بندگان اهدافی دارد که به بیان برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

- آزمودن انسان‌ها:

ممکن است هدف از آزمایش الهی این باشد که انسان‌های خوب و بد را با آن بسنجد تا در دنیا و آخرت مشخص شود که چه کسی اهل عمل نیکو و پسندیده است؛ «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»^۳ همانا آنچه را روی زمین است، زینت آن قرار دادیم تا آن‌ها را بیازماییم که کدام یک از آن‌ها

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۶۷، ص ۲۳۵.

۲. یونس، آیه ۶۱.

۳. کهف، آیه ۷.

بهتر عمل می‌کنند.» اگر خدا آزمون عاشورا را از اصحاب امام و کوفیان نگرفته بود، بسیاری از کوفیان خود را شیعه واقعی امیر مؤمنان می‌دانستند؛ چنان‌که افرادی که در راه به امام حسین علیه السلام پیوستند یا از ایشان جدا شدند نیز به خوبی آزمایش شدند.

- پاداش اخروی:

از جمله بهترین پاداش‌های خداوند، نصیب صابران می‌شود: «وَلَنبَلُوَنَّكُمْ بِشَىْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛^۱ و البته شما را به سختی‌هایی چون: ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم و بشارت بده صبرکنندگان را.»

- رسیدن به مقامات معنوی:

خداوند متعال، ابراهیم خلیل علیه السلام را پس از آزمون‌های متعدد به مقام رفیع امامت رساند؛ «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا؛^۲ و هنگامی که مبتلا ساخت ابراهیم را به کلماتی. پس، آن‌ها را تمام کرد (انجام داد)، گفت: همانا من تو را برای مردم پیشوا قرار دادم.»

- آگاه نمودن فرد از میزان ایمان او:

خدا آنچه را در سینه‌ها و قلوب است، می‌داند؛ ولی گاه لازم است آن را به خود فرد بنمایاند: «وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ؛^۳ و تا بیازماید خداوند آنچه را در سینه‌های شما است و تا خالص گرداند آنچه را در دل‌های شما است و خدا دانا است به اسرار سینه‌ها.» خداوند

۱. بقره، آیه ۱۵۵.

۲. بقره، آیه ۱۲۴.

۳. آل عمران، آیه ۱۵۴.

می دانست چه کسی با امام حسین علیه السلام می ماند و چه کسی می رود، و می توانست با زلزله یا عذاب آسمانی، اوضاع ظاهری را به نفع امام حسین علیه السلام تغییر دهد؛ اما این حادثه اتفاق نیفتد؛ بلکه خدا با این واقعه، میزان ایمان افراد را به آنان فهماند. گاه انسان به عبادت خود مغرور می شود در حالی که اگر امتحان پیش آید معلوم می شود که درجه ایمان وی چه میزان است.

غره مشو که مرکب مردان مرد را در سنگلاخ بادیه پی ها بریده آید

- اتمام حجت:

امتحان اتمام حجت است برای آنان که ایمانی ظاهری داشته و در آزمون موفق نبوده اند تا در قیامت از ایمان دم نزنند.

«وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ»^۱ و [آل فرعون خطاب به حضرت موسی علیه السلام] گفتند: ای ساحر! تو از خدای خود چون تعهدی با تو دارد، بخواه تا عذاب را از ما برطرف کند. ما بدین شرط، البته هدایت می شویم. پس آن گاه که ما عذاب را از آن ها برداشتیم، باز آن ها نقض عهد کردند.»

عاشورا نیز اتمام حجتی بود بر کوفیانی که از امام علیه السلام دعوت کرده بودند؛ ولی به ایشان خیانت نمودند. طفل شیرخوار، اتمام حجتی بود که در قیامت نگویند: اگر می دانستیم طفل داری، به او آب می دادیم. خُر و توبه او، اتمام حجتی بود برای کسانی که در قیامت می گویند: نتوانستیم از لشکر فرار کرده، به سوی حسین برویم. نماز امام در ظهر عاشورا در وسط میدان جنگ، اتمام حجتی بود که نگویند: نمی دانستیم نماز می خواند. خطبه های امام و معرفی خودش به عنوان فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اتمام حجتی برای ناآشنایان با امام بود.

۶. ابزار ابتلای الهی

برخی ابزارهایی که خداوند بندگان خویش را از آن طریق آزمایش می‌کند، عبارت‌اند از:

- ذخایر و زینت‌های دنیا:

«إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛^۱ همانا ما آنچه بر روی زمین است، زینت آن قرار دادیم تا مردم را امتحان کنیم که کدام یک از آنان نیکوتر عمل می‌کنند.»

- رنج‌ها و مصایب:

شاید و گرفتاری‌ها، گرانی‌ها و مریضی‌ها، همه وسیله امتحان الهی است: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ؛^۲ و نفرستادیم ما هیچ پیامبری را به شهر و دیاری؛ مگر آن‌که اهلش را به شداید و محن گرفتار ساختیم تا شاید آن‌ها به درگاه خدا زاری کنند.»

- جنگ:

شکست و پیروزی در جنگ نیز امتحان افراد است. خداوند در آیه‌ای راجع به پیروزی مسلمانان در جنگ بدر می‌فرماید: «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَ لِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا؛^۳ این شما نبودید که آن‌ها (کافران) را کشتید؛ بلکه خداوند آن‌ها را کشت و تو نبود (ای پیامبر) چون تیر افکندی؛ بلکه خدا افکند و همانا خداوند می‌خواست مؤمنان را به این وسیله به‌خوبی بیازماید.»

۱. کهف، آیه ۷.

۲. اعراف، آیه ۹۴.

۳. انفال، آیه ۱۷.

همچنین، جنگی که در عاشورا اتفاق افتاد، وسیله آزمون امام، اهل بیت علیهم‌السلام، اصحاب و دشمنان بود.

- خوبی و بدی:

«وَنَبَلُوكُمْ بِالْأَشْرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ»^۱ و شما را به بد و نیک مبتلا کرده، بیازماییم و به سوی ما بازگردید. «گاه خدا انسان را با ناملازمات و سختی‌ها می‌آزماید و گاه با نعمت‌ها و خوبی‌ها؛ در سختی‌ها باید صبر را پیشه خود ساخت و در نعمت‌ها نیز شکرگزار خداوند بود و از معصیت پرهیز کرد.

- ترس و گرسنگی:

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»^۲ و البته شما را به سختی‌هایی چون: ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و میوه‌ها بیازماییم و بشارت و مژده بده صبرکنندگان را. «این آیه علاوه بر ترس و گرسنگی، نقصان مال و جان و ثمره را نیز متذکر شده که در ادامه می‌آید. در این آیه، با الفاظ و حروف تأکیدی، امتحان به ترس و گرسنگی و... را حتمی دانسته و آن را وسیله‌ای برای امتحان الهی برشمرده است.

- فرزند و مال:

اموال و فرزندان نیز ابزار امتحان الهی‌اند؛ «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»^۳ و بدانید که اموال و فرزندان شما، فتنه و ابتلایی بیش نیست و همانا پاداش بزرگ، نزد خدا است. «نقصان اموال که در آیه ۱۵۵ سوره بقره اشاره شد نیز از چند راه است: خسران تجارت، پرداخت زکات و صدقات،

۱. انبیاء، آیه ۳۵.

۲. بقره، آیه ۱۵۵.

۳. انفال، آیه ۲۸.

نابودی زراعت و تاراج و اتلاف مال. نقصان انفس نیز به چند صورت است: کشته شدن در جنگ، بیماری و ضعف و مرگ. نقصان ثمرات از طریق نقص میوه‌های درخت به سبب آفات و یا مرگ فرزندان (میوه دل) صورت می‌گیرد.

- معجزات:

معجزه‌هایی که اقوام مختلف از پیامبران خواسته‌اند نیز ابزاری برای امتحان آنان است؛ چنان‌که قرآن فرموده: «إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ»^۱ ما برای امتحان آن‌ها، ناقه صالح را بیرون آوردیم. پس، مراقب حال‌شان باش و بر آزارشان صبر پیشه کن.»

- قدرت:

هم‌چنان‌که مال، وسیله امتحان است، قدرت و مقام نیز وسیله آزمودن افراد است. بایسته آن است که از قدرت خویش در مسیر: طاعت خدا، دفاع از مظلوم یا اجرای عدالت استفاده نماییم. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ الْمُسْتَكْبِرِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ بِأَوْلِيَائِهِ الْمُسْتَضَعْفِينَ فِي أَعْيُنِهِمْ»^۲ پس همانا خداوند منزه و پاک، می‌آزماید بندگان مستکبر و قدرتمند خویش را با دوستان خود که در چشم آن‌ها ضعیف و ناتوان‌اند.»

۷. آثار ابتلای الهی

ابتلای الهی، آثار و فوایدی در پی دارد که شماری از آن‌ها به شرح ذیل است:

- شناسایی انسان‌ها:

یکی از مهم‌ترین آثار ابتلای الهی، تمایز افراد خوب و بد، منافقان و مؤمنان، یا مجاهدان و صابران از مدعیان دروغین است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَّ

۱. قمر، آیه ۲۷.

۲. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، پیشین، خطبه ۱۹۲، ص ۲۷۴.

لَنْبَلُوتِكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ وَ نَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ؛^۱ ما قطعاً همه شما را می‌آزماییم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما، و اخبار شما را بیازماییم.» امتحان الهی، مانند کوره آتشی است که قلوب انسان‌ها در آن ریخته شده، گذاخته می‌گردد تا زر خالص و مس، از یکدیگر جدا شوند. امام حسین علیه السلام در مسیر کربلا ضمن سخنانی که برای یاران و اصحاب با وفای خود بیان کردند، فرمودند: «إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ لَعَقُ عَلَيَّ أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَّانُونَ؛^۲ همانا مردم بندگان دنیا هستند و دین، لعابی است بر زبان‌هایشان که تا زندگی‌شان رو به راه است، به دور زبان می‌گردانند. پس، چون دوران آزمایش رسد، دین‌داران کمیاب شوند.»

- توبه:

توبه و بازگشت خطاکاران به سوی خداوند، از پیامدهای مهم ابتلای الهی است؛ مانند قوم یونس که با دیدن آثار بلای الهی، توبه کرده و ایمان آوردند و همین امر، به رفع عذاب منجر شد. یکی از نمونه‌های توبه راستین، در جریان کربلا توسط حر بن یزید ریاحی واقع شد. وقتی او دید لشکر کوفه قصد دارد با امام بجنگد، خود را در امتحان بزرگی میان بهشت و جهنم می‌دید. به خود آمد و پشیمان شد و به امام و یارانش پیوست. خداوند هم توبه او را پذیرفت و در نهایت، به فیض عظیم شهادت نایل آمد.

- ایجاد روحیه مقاومت:

افرادی که در فراز و نشیب زندگی قرار می‌گیرند و در معرض امتحان واقع می‌شوند، در مقابل مشکلات زندگی، مقاوم شده و استقامت و قدرت تحمل آنان افزایش می‌یابد. همین امر، باعث موفقیت آنان در زندگی خواهد شد. خداوند

۱. محمد، آیه ۳۱.

۲. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، پیشین، ص ۲۴۵.

حکیم، مؤمنان را آزمایش می‌کند تا مثل پولاد آبدیده، دارای عزم و اراده‌ای مستحکم شوند و در برابر دشواری‌ها، صبور و باتقوا باشند. حضرت علی علیه السلام در وصف متّقین می‌فرماید: «نُزِّلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَالْتِي نُزِّلَتْ فِي الرَّخَاءِ؛ در سختی چنان به سر می‌برند که گویی در آسایش و خوشی هستند.»^۱

- عبرت آموزی:

آگاهی از ابتلائات امت‌های گذشته، می‌تواند نوعی هشدار برای آدمی باشد تا از خواب غفلت بیدار شده و متذکر گردد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ وَحَبْسِ الْبَرَكَاتِ وَإِغْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ، لِيَتُوبَ تَائِبٌ وَيَقْلَعَ مَقْلَعٌ وَيَتَذَكَّرَ مُتَذَكَّرٌ وَيَزْدَجِرَ مُزْدَجِرٌ»^۲ خداوند بندگانش را آزمایش می‌کند؛ هنگامی که کارهای بد انجام می‌دهند، با کمبود میوه‌ها و جلوگیری از نزول برکات و بستن در خزانه‌های خیرات؛ تا توبه‌کاران توبه کنند و کسی که باید دست از گناه بکشد، خودداری کند و کسی که نپند پذیر است، نپند گیرد و کسی که از گناه می‌ترسد، از انجام کار خلاف اجتناب کند.»

- از بین رفتن غرور و تکبر:

حضرت علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «لَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَيَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ وَيَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ إِخْرَاجًا لِلتَّكْبَرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَإِسْكَانًا لِلتَّذَلُّلِ فِي نَفْسِهِمْ»^۳ خداوند همواره بندگان خود را به انواع شداید آزمایش می‌کند و تکالیفی گوناگون، بر خلاف طبع آسایش طلب آن‌ها، بر آنان مقرر می‌دارد تا غرور و تکبر از دل‌شان بیرون رود و نفوس‌شان به تعبد خدا عادت کند.»

۱. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، پیشین، خطبه ۱۹۳، ص ۲۸۶.

۲. همان، خطبه ۱۴۳، ص ۱۸۶.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۹۶۱م، ج ۱۳، ص ۱۵۷.

۸. رمز پیروزی در امتحان الهی

پیروزی در آزمایش‌های الهی، نیازمند برخورداری از شرایطی است که توجه به آن‌ها، رمز موفقیت در هر گونه ابتلایی است. برخی از این شرایط عبارت‌اند از:

- درک حضور خداوند:

توجه داشتن به این حقیقت که حق تعالی همیشه و همه‌جا شاهد و ناظر اعمال ما است و این‌که تمام حوادث و بلاها در محضر او انجام می‌گیرد، عامل مهمی برای مقاومت و پایداری در برابر مشکلات است. خداوند برای آن‌که تمسخرهای مردم، اراده حضرت نوح علیه السلام را بر ساختن کشتی سست نکند، به او فرمود: کشتی را جلو دیدگان ما و به دستور ما بساز؛ «وَأَصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِينَا»^۱

حضرت یوسف علیه السلام در آن امتحان سخت که در مقابل زلیخا قرار گرفت، چون حضور خداوند را در آن‌جا درک می‌کرد، به او پناه برده و فرمود: «مَعَاذَ اللَّهِ أَنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ»^۲ به خدا پناه می‌برم. خداوند مرا مقامی منزه و نیکو عطا کرده است. همانا او هرگز ستمکاران را رستگار نسازد.

از امام حسین علیه السلام نقل شده است که در صحنه کربلا وقتی بعضی از عزیزانش به شهادت رسیدند، فرمودند: «هُونٌ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بَعِينِ اللَّهِ»^۳ همین‌که می‌دانم این امور در برابر دیدگان علم‌پروردگار انجام می‌گیرد، تحمل آن بر من آسان می‌شود.

- ایمان و توکل به خدا:

اگر انسان ایمان و توکل به خدا داشته باشد، پیش آمدن مشکلات و حوادث از جانب خدای تعالی را جبران معاصی می‌داند و این سبب می‌شود که ابتلا هر چه قدر طاقت‌فرسا باشد، ایمانش را قوی‌تر، اراده‌اش را محکم‌تر و توکلش را بیشتر

۱. هود، آیه ۳۷.

۲. یوسف، آیه ۲۳.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۶، ص ۴۵۹.

گرداند و از آزمایش‌های الهی سربلند بیرون آید. از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «مِنْ كُنُوزِ الْإِيمَانِ الصَّبْرُ عَلَى الْمَصَائِبِ؛ صبر بر مصیبت‌ها، از گنج‌های ایمان است.»

- صبر:

مهم‌ترین و اولین گام برای پیروزی در امتحان الهی، صبر و استقامت و پایداری در مقابل مشکلات و سختی‌ها است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ.»^۱ نوید بشارت بر صابران که در این آیه آمده، همان کلید و رمز موفقیت در این گونه آزمون‌ها است.

از این آیه می‌توان فهمید که داشتن صبر در مسیر زندگی، به انسان بصیرت می‌دهد تا مشکلات را به نفع خویش دانسته در برابر حوادث ناگوار ایمانش ضعیف نشود و همواره با تقوا به پیش رود. گویند که ابی طلحه، صحابی پیامبر، به پسرش علاقه زیادی داشت. پسر مریض شد و نزدیک مرگ فرزند، همسرش او را به دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد تا هنگام مرگ فرزندش حضور نداشته باشد و جزع و فزع نکند. پسر مُرد و مادر او را در گوشه منزل گذاشت و غذایی آماده کرد. شوهر که آمد، به او غذا داد و نیاز جنسی‌اش را بر آورده کرد. سپس به او گفت: اگر ودیعه‌ای نزد ما باشد و ما آن را به صاحبش برگردانیم، ناراحت می‌شوی؟ گفت: خیر. گفت: فرزند، ودیعه خدا است. خداوند فرزندان را باز پس گرفت. ابوطلحه گفت: من سزاوارترم که صبر پیشه کنم تا تو که مادر او هستی. خبر این ماجرا به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. حضرت آنان را تحسین کرده و فرمود: حمد خدایی را که در امت من، زنی این چنین صابر، مانند زن بنی‌اسرائیلی که

۱. حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، پیشین، ص ۱۳۸.

۲. بقره، آیه ۱۵۵.

صابر بود، قرار داد. سپس داستان آن زن را که دو فرزندش کشته شده بودند و صبر کرد، نقل نمود.^۱

- دعا و یاد خدا:

دعا، نوعی عبادت و ارتباط با خالق یکتا، نوعی خودسازی و خودشناسی و به دنبال آن، خداشناسی است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ»^۲ و هر گاه آدمی به رنج و زیانی درافتد، همان لحظه به هر حالت باشد، خفته یا نشسته یا ایستاده، فوراً ما را به دعا می‌خواند. پس، آن‌گاه که رنج و زیانش را بر طرف ساختیم، باز به حال غفلت و غرور چنان باز می‌گردد که گویی اصلاً ما را برای دفع ضرر و رنج خود نخوانده است.»

مطابق روایات، دعا از بلاهای گوناگون جلوگیری می‌کند. بنابراین، انسان می‌تواند پیش از نزول بلا، با دعا کردن، آن را از خود دور نماید. از امام سجاده علیه السلام نقل شده که فرمود: «إِنَّ الدُّعَاءَ وَالْبَلَاءَ لِيَتَرَفَقَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. إِنَّ الدُّعَاءَ لِيُرِدَ الْبَلَاءَ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا»^۳ همانا دعا و بلا، تا روز قیامت با هم دوست هستند. همانا دعا بلا را بر می‌گرداند؛ هرچند آن بلا حتمی باشد.» می‌توان گفت که دعا و بلا، رابطه متقابل دارند؛ چه این‌که دعا بلا را دفع می‌کند و بلا نیز انسان را به سوی دعا می‌کشاند. ماجرای راز و نیاز یونس نبی علیه السلام با خداوند و تسبیح در شکم ماهی، از این گونه موارد است.

۱. زین‌الدین عاملی (شهید ثانی)، مسکن الفؤاد، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۷ق. ص ۶۹.

۲. یونس، آیه ۱۲.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: مسجد، بی‌تا، ص ۴۶۹.